



چگونگی عملکرد سینمای ایران در طی ۷ سال اخیر بالاچار ما را به کاوشی هر چند گذرا و مختصر به اوضاع و احوال سینمای ایران قبل از انقلاب اسلامی می کشاند. صنعت سینما به عنوان بزرگترین، گسترده ترین و شایسته ترین وسیله پرورش اندیشه و راه یابی ها و هنر پر رونق ارتباط جمعی در حد فرهنگی توده گیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

متأسفانه با وجودی که مدت ۹۰ سال از اختراع سینما گذشته است، همانند بسیاری از دست آوردهای تمدن اروپا و امریکا که از طریق دنیای تجارت به مشرق زمین راه یافتند، هنر سینما نیز در دست سودجویان قرار گرفت و آنچنان دچار تحریف و ابتذال گردید که به عامل تخدیر با معیارهای نادرست مبدل شد. در کشورهایی که سینما رفتن تنها تفریح ارزان و ساده مردم محسوب می گردد آنچه که در سینماها به مردم ارائه می شود غالباً معجونهای تهوع آوری از ابتذال و سکس و خشونت و در قالبهای ملودرام، اجتماعی، عشقی و حادثه ای و غیره است که به شیوه ای سطحی و نادرست به مسائل اجتماعی می پردازد و به جز مواردی استثنائی یا از طریق نمایشهای خصوصی، اصولاً مردم را به سوی نوعی گریز و سرگرمی صرف می کشاند. در سالهای رفته، سوداگران سینما آنچنان مردم را به استثمار کشاندند که محک ارزیابی هر فیلم با گیشه سینما تعیین می شد. در حقیقت موجودیت سینمای قبل از انقلاب حاکی از وضعیت و نظام فرهنگی-اجتماعی حاکم بر جامعه بود. جامعه ایران به دلیل زیر سلطه بودن بازار فرهنگی-اقتصادی اش، همچون سایر کشورهای

بررسی سینمای ایران پس از انقلاب سینمای ایران، سالهای انقلاب

خاورمیانه به شدت در چنگال امپریالیزم اسیر بود. مسئولین و مقامات دولتی-علاوه بر سانسور خفقان شدیدی که در مورد فیلمهای سینمایی اعمال می شد- با بر پا کردن جشنواره های تشریفاتی و پرهزینه، بر عوامفریبی دامن میزدند و براه انداختن مسابقات منحط مادی نه تنها معنویت سینما را از میان می بردند بلکه موجب گشوده شدن دروازه های کشور بر روی آثار مشابه خارجی و اکثراً آثاری ارزش می شدند.



پیشگاه مطالعات فرهنگی

نداشتند.

بنابراین سینما در ایران نه تنها شکوفا نشد و به هویت و یژه خود دست نیافت، بلکه عموماً مروج نوعی ابتدال در قالب تفریحی ساده پسند گردید؛ چراکه وابستگی و اختناق، سدی در برابر نمایش آثار اصیل فرهنگی و هنری محسوب میشد و انگیزه و مشوق ابتدال بود. ورود انبوه فیلمهای مبتدل خارجی و حمایت دولت از وارد کنندگان، باعث شده بود این سازمان‌ها به مراکز تراکم

عدم وجود هرگونه معیار و ضابطه صحیح در روابط فرهنگی قبل از انقلاب، همواره موجب گشته بود که گروه زیادی داعیه هنرمند بودن داشته و در این میان سینما بیش از همه مورد هجوم بی فرهنگی قرار گرفته. نهادهای فرهنگی و ظاهراً مسئول در خط کاسبکارانه خود، به ترویج ابتدال در حیطه فرهنگ پرداخته و کارگزاران فرهنگی این نهادها، هدفی جز ایجاد سدی در برابر تفکر و تعقل هنری در ابعاد وسیع اجتماعی

ثروت و قدرت و تصمیم‌گیری دربارهٔ سرنوشت سینماها تبدیل گردد. از این طریق سرمایه‌های فعال با تحکیم و تثبیت واردات فیلم و افزایش دائمی نرخ تورم، قدرت رقابت با فیلم خارجی را از دست داده و سازمانهای پخش فیلم به خدمت واردات فیلم درآمدند. نیروهای مولد، بیکار گشته و با جذب گروهی از آنها در نظام واردات و توزیع فیلم خارجی، وابستگی سینمای ایران مسلم گردید.

نتیجه، چیزی جز تقلید، تشبه و ذهنیت‌گرایی نبود. فیلم داخلی از امکان طرح مسائل جامعه محروم بود و سعی داشت که در شبیه‌ساختن خود به فیلم خارجی با آن رقابت کند و ولی فقر روزافزون مالی، بیگانه بودن با مسائل مورد نظر جامعه، رقابتی غم‌انگیز و مضحک ایجاد می‌کرد.

باین ترتیب سینمای تخیلی و از خود بیگانه‌کننده داخلی - به جز مواردی استثنائی که در کنار انبوه فیلمهای مبتذل و سطحی غربی و شرقی ارائه می‌شد - از اواخر سال ۱۳۵۵ به تدریج روبه ورشکستگی و رکود گذاشت و اکثر تولیدات سینمائی در این سالها بازتاب عقده‌ها و فلاکت‌های ذهنی بی‌اندیشه‌ترین و بی‌ریشه‌ترین اقشار جامعه یعنی لمپن‌ها بود.

سینمای راستین و فیلمهای جشنواره‌ای

در تاریخ سینمای ایران بین سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ و ادامهٔ آن تا سالهای دههٔ پنجاه، نوعی سینمای متفاوت با سینمای رایج و گیشه‌ای زمان بوجود آمد و رشد کرد که به زعم عده‌ای دیگر به استعمار و تحریف زندگی مردم و تخیل افکار تماشاگر نمی‌پرداخت و تصاویر نادرست و غیرواقعی از زندگی ارائه نمی‌داد و در

نهایت به مسائلی همچون اعتقاد به شانس و تقدیر و تضاد طبقاتی، قهرمان‌سازی و غیره نمی‌پرداخت و ارائه دهندهٔ تفکر و خلاقیت بود. این فیلمها با ظاهری متفاوت‌تر از سینمای سوداگرانه، پیشگام موج روشنفکری جدیدی شدند که بتدریج سینمای بااصطلاح «راستین» نام گرفت و کراراً از آن به عنوان سینمای اصیل و ریشه‌دار با محتوایی عمیق که پیام آن در قالبهای ارزنده به تصویر درآمده یاد شد. این سینما بر خلاف شهرت بیموردی که در مطرح ساختن زندگی اقشار پائین جامعه، استعمار، مبارزه در راه احقاق حقوق از دست‌رفته، تنگناهای طبقات متوسط و غیره کسب کرده بود، در حقیقت همچنان واقعیت زندگی را با اندیشهٔ ساخته و پرداخته کارگردان شکل داده و ذهنیات خصوصی آنها را القا می‌کرد که نه از جهت محتوا و نه از جنبه فرم نمیتوانست سینمای مورد نظر باشد و بعدها اصطلاحات جدیدی چون سینمای هوشمندانه، سینمای پیشرو، سینمای دیگر و سینمای نامتعارف در مورد آن فیلمها بکار گرفته شد.

البته نمی‌توان منکر ارزشمندی و بداعتهای هنری و محتوایی و فرمی تعدادی از آنها مانند «گاو»، «بیک اتفاق ساده»، «گوزنها»، «دایرهٔ مینا» و تعدادی دیگر گردیده‌ولی چنانچه ذکر شد، بطور کلی گرایشهای فرمی و ذهنیاتی که نمی‌توانست با ارائهٔ فیلمهایی چون: «چشمه»، «مغولها»، «باغ سنگی» و غیره با تودهٔ تماشاگر ارتباطی برقرار سازد، موجب گردید که اینگونه فیلمها با نیت نمایش در جشنواره و فستیوال و احیاناً جایزه گرفتن تولید گردند و گروهی نویسنده بااصطلاح سینمائی نیز آنها همچون جریانات راستین سینمای ایران تلقی کرده و به

آن بهاء دهند. بنابراین بتدریج سینمایی بوجود آمد بنام «سینمای جشنواره‌ای» که می‌بایستی زیباترین فرم و پیچیده‌ترین معنی را داشته باشد و سلیقه‌ها و پسند سینماشناسان بورژوازی غربی را کاملاً رعایت کند. چنین فیلمی احتمالاً در جشنواره تهران برنده می‌شد و طی آن مراسم کذائی، کارگردان آن در حضور حضرات هنر پرور خم شده و جایزه می‌گرفت و عکس تمام‌رنگی این واقعه نیز مزین کننده روی جلد مجلات می‌شد.

بعضی از این فیلمها نیز در حاشیه، توجهی به پسند روشنفکران آنچنانی و لیبرال منش و لوکس جشنواره‌ای داشت که به روایت مسائل حاد سیاسی آن روزگار می‌پرداخت. یعنی از جهت دیدگاه کارگردان یک موفقیت همه‌جانبه بود. باین ترتیب گرفتن جایزه، تأیید از سوی سینماشناسان غربی و روشنفکران داخلی از ضروریات فیلم جشنواره‌ای بود. حال اگر هم جایزه‌ای در جشنواره نصیب اینگونه فیلمها نمی‌گردید، روشنفکران نقدنویس داخلی داد و فغان برآه می‌انداختند که جشنواره استعداد‌های خوب را درک نمی‌کند!

باین ترتیب سینمایی که می‌توانست با ارائه فیلمهایی مناسب از جهت فرم و محتوی، پرداخت آگاهانه، فضا سازی متفاوت و دور از ابتذال، ارزشهای جدیدی را به عنوان یک دگرگونی در سینمای ایران بنیان نهد، به دلیل افتادن در دام سینمای جشنواره‌ای پانگرفت و صرفاً این مطلب را در اذهان قبولانند که باید به دلیل شرکت در جشنواره و فستیوال، فیلم ساخت؛ البته فقدان پشتوانه‌های مادی (به دلیل عدم استقبال مردم از فیلمهای مذکور) و فقدان پشتوانه فرهنگی (به

دلیل شیفتگی به معیارهای غربی و شرقی) خود مزید بر علت بود.

این جریان، اگر در داخل مواجه با عدم استقبال جشنواره تهران و عدم دریافت جایزه و انتقاد مطبوعات بود، گهگاه شکل دیگری می‌یافت. مثلاً فیلم «مغولها» در دومین جشنواره فیلم تهران (۱۳۵۲) به نمایش درآمد و بعضی منتقدین آنرا جزو آثار بی نظیر سینمای جهان خواندند. فیلم برنده جایزه مخصوص هئیت داوران شد، ولی مردم فیلم را نپذیرفتند. پس از آنکه فیلم مغولها در فستیوالهای پزارو (ایتالیا)، مانهایم (آلمان)، شیکاگو (امریکا)، مونت کارلو و بلگراد (یوگسلاوی) و بالاخره جشن هنر شیراز انتخاب شد و به نمایش درآمد آنگاه همه چیز تغییر یافت و مطبوعات و مخالفین نیز شروع به تحسین فیلم کردند و جناب فیلمساز نیز در مصاحبه‌ای اعلام فرمودند که:

«به‌تم_____ اشاگران باید فیلم را فهماند، زیرا گروه کمی از آنها سینما را می‌شناسند!» فیلم بعدی همین فیلمساز بنام «باغ سنگی» نیز مخاطب خود را بین خارجیها و توریستها جستجو می‌کرد و اصولاً برای شرکت در فستیوال ساخته شده بود. مزیرا به‌رحال قادر نبود با تماشاگر ایرانی ارتباط داشته باشد. همچنین در آگهی تبلیغاتی فیلم دیگری بنام «جمعه» (کامران قد کچیان-۱۳۵۵) رسماً اعلام شده بود: فیلمی برای جشنواره جهانی فیلم تهران. که البته نتوانست در آن راه یابد. در حالیکه از همان زمان مشخص بود که آثار روشنفکرانه هیچگونه دردی را از سینمای ما دوا نکرده است و اگر مردم فیلمی را نپذیرفتند، خواه ناخواه باید مشکلی در کار باشد.

سالهای بحرانی و مشکلات سینما

در روزهای بحرانی سال ۵۷ که نهضت بزرگ اسلامی ملت، اوج می گرفت، سینماها به دنبال بانکها و نهادهای دیکتاتوری آماج حملات مردم واقع شدند. حمله به سینماها مبین رشد سیاسی مردم بود زیرا آنها را پایگاه فرهنگی ابتدالات تخذیری امپریالیسم می دانستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سینما دیگر نتوانست آن هویت فرهنگی را ادامه دهد و سوداگرانی که در این زمینه فعالیت می کردند نمی توانستند همان هویت قبلی را احیاء کنند و این هویت فرهنگی و هنری همان چیزی بود که به عنوان یک ابزار ضد فرهنگ در اختیار رژیم ستمشاهی قرار داشت.

معمولاً پس از هر تحول و دگرگونی سیاسی-فرهنگی در جهان که براساس نهضت‌های مردمی استوار باشد، دوران تأثیرپذیری فرهنگی ایجاد می گردد، چنانچه وقایع و مسائل اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم در ایتالیا موجب تولد مکتب نئورئالیسم گردید. ولی در ایران شاید به دلیل سی سال خلاء فرهنگی چنین تحولی نتوانست در سالهای اولیه پس از انقلاب در جامعه صورت پذیرد.

پس از پیروزی انقلاب تولید فیلم ایرانی تقریباً متوقف شده ولی به دلایل عدیده‌ای نتوانست بشارت دهنده تولید فیلم در سینمای جدید ایران اسلامی باشد. مسائلی چون: ارائه پیام، احیای سینما، فقدان متخصص متعهد و سایر مشکلات پیچیده مانع از رشد و شکوفائی سینمای مورد نظر گردید. روند و جایگزینی ارزشها در وجه فرهنگی هرگز نتوانست همگام و هماهنگ با سایر شئون سیاسی و اقتصادی حرکت کند و

بدیهی است که این دگرپرسی به ویژه با سرگشتگی و آزمون و تجربه در فراگرد تهیه فیلم از نگارش سناریو تا تولید و توزیع روبرو بود. تعدد و ناهمگونی احصاء و تبیین ارزشهای فرهنگی هنری در آشفته بازار فرصت طلبیها در عدم دستیابی به نقطه آغاز سینمای جدید و مورد نظر جمهوری اسلامی بود.

در ابتدای انقلاب عده‌ای ساختن فیلم اسلامی را کار آسانی دانسته و در فیلمهای آنها می توان بازتاب روند جریانهای سیاسی پس از انقلاب را با برخوردی سطحی مشاهده کرد. فیلمهای آنها ملهم از جریانات تقویمی و سطحی جامعه بوده که تاریخ مصرف خورده و بتدریج دچار روزمرگی شدند.

در حقیقت عدم شناخت شیوه‌های بیانی و تصویری بجای آنکه متکی بر فرهنگ اصیل انقلاب اسلامی باشد در قالب شعاری تکراری قرار گرفت. مدعیان فیلمسازی اسلامی مشکل سینما را فقط در اختیار داشتن چند حلقه فیلم خام، یک دوربین، مقداری پول و حمایت دانسته و تصور می کردند با طرحهای موجود در ذهن خود هنگامه‌ای در عالم سینما بر پا خواهند کرد. باین ترتیب شوق کار و شور انقلابی حاکم بر نهادهای نورسته پس از انقلاب و فقدان گنجایش و کشش سایر رسانه‌های گروهی از سویی و عدم آگاهی از میزان اثرگذاری سینما و نداشتن دانش تکنیکی کافی و فقدان افراد متخصص و همچنین نبودن مرکز تصمیم گیر و سیاست گذار از سوی دیگر، موجب شد که شتابزدگی در تولیدات سینمایی جانشین درک و جذب فرهنگ اسلامی و شناخت و دمیدن آن در هنر فیلمسازی گردد.

در سال ۱۳۵۸ دلایل گوناگونی سبب شد که کمتر کسی بتواند فیلم تولید کند. این دلایل به اختصار عبارت بودند از:

- ۱- روشن نبودن حدود مالکیت در مورد برخی سینماها و استودیوها که ممکن بود مصادره شوند.
- ۲- مشخص نبودن معیارهای عملی سینمای اسلامی از دیدگاه شخصیتها و صاحب نظران و مسئولان و دست اندرکاران.
- ۳- مشکل ابتذال در سینمای گذشته که دامن بسیاری از دست اندرکاران قبلی را آلوده بود.
- ۴- کمبود وسایل کار و مواد خام.

در سال ۵۸ تعدادی فیلم ایرانی برای اولین بار در سینماها به نمایش درآمد که برخی از آنها پیش از انقلاب آماده نمایش بوده و تعدادی نیمه کاره مانده بودند. لازم به تذکر است که در آشفته بازار سیاسی آن روزها مقرراتی ناظر بر نمایش فیلمها نبود و یا اصولاً ضمانت اجرائی نداشت و غالباً پروانه نمایش آنها با یکبار نمایش باطل می گشت.

واردات فیلم خارجی و نمایش آن نیز آشفته‌گی خاصی داشت و عدم امنیت برخی از ساختمانهای سینماها نیز بر مشکلات سینماها می افزود.

یکی دیگر از مسائل مهم روز دخالت نهادهای غیرمسئول پس از انقلاب در نمایش فیلم و دائر کردن یا به تعطیل کشاندن و بالاخره مصادره سینماها بود که به تشتت و عدم مسئولیت مرکز سینمایی کشور دامن میزد و بطور کلی تا اواخر سال ۱۳۵۹ مشکلات اداری، عدم کارائی دست اندرکاران تولید، پراکندگی نیروهای متعهد و متخصص موجب کمبود تولید فیلم بود. فیلمهای خارجی در زمینه های سیاسی و انقلابی نیز که در

سال ۵۸ بازار خوبی داشت به تدریج موجب گریز تماشاگر از آن فضای یکنواخت گردید و سوداگران با استفاده از موقعیت، فیلمهای قدیمی سینما مثلاً فیلمهای نورمن و یزدم را کراراً نمایش می دادند. از سوی دیگر با آغاز جنگ تحمیلی بدلیل مسائل اقتصادی گشایش اعتبار برای فیلمهای خارجی ممنوع اعلام شد.

در سال ۱۳۵۸ بجز نخستین جشنواره کودکان و نوجوانان (میلاد) و همچنین در سال ۱۳۵۹ بدلیل تغییرات مداوم در سطح مسئولان سطح بالای اجرائی نهادهای مسئول، جشنواره ای برگزار نگردید. بطور کلی در سال ۵۸ تعداد ۱۴ فیلم سینمایی و در سال ۵۹ تعداد ۱۶ فیلم سینمایی تولید گردید. در سال ۱۳۶۰ تولید فیلم افزایش یافت و مجموعاً ۲۱ فیلم بلند در این سال به نمایش درآمد: دوازده فیلم در اکران عمومی، که یک فیلم تولید قبل از انقلاب بود، دو فیلم در تلویزیون و هفت فیلم در جشنواره ها و اکران خصوصی.

غالب این فیلمها نیز با توسل جستن به شعارو نادیده گرفتن واقعیتها، از تحلیل باز مانده بودند. بطور کلی تا سال ۶۰ تنش های سیاسی اجازه برنامه ریزی برای توسعه سینما را نمی داد و گرچه بتدریج فیلمهای کلیشه ای و شعاری وارد بازار می شد ولی عدم استقبال تماشاگران موجب بایکوت آنها می گردید. براساس آمارها، مجموع تولیدات سینمایی در سال ۱۳۶۱ تنها ۶ فیلم بوده است و البته این نگرانی نیز ایجاد گردید که با پاره ای تغییرات سطحی و رو بنائی، سینما مجدداً در مسیر گذشته خود قرار گرفته و از رشد و پویائی لازم باز ایستد.

علل این سیر نزولی در کمیّت و کیفیت تولیدات را می توان بشرح زیر برشمرد:

۱- عدم توجه کافی مسئولان و بالتبینه عدم برنامه ریزی اساسی صحیح و نبود یک سیاست مشخص در این مهم و برخوردهای انفعالی و موضعی که غالباً نتایجی زیان بخش داشت.

۲- ناتوانی دست اندرکاران موجود سینما در تولید آثار سینمایی خوب به دلیل ضعف و عدم شناخت فن و نداشتن تجربه در تصویر نمودن فرهنگ اسلامی توسط برادران معتقد و مسلمان از سوی دیگر.

۳- فقدان نظارت بر تولیدات داخلی.

۴- سوء استفاده فرصت طلبان از موقعیت ها با تغییرات صوری و استفاده از ماسک برای بقاء یا نفوذ و بالمآل ضربه های سهوی و یا عمدی آنها به کل مجموعه.

۵- نداشتن سیاست مشخص و معلوم در برخورد با عوامل سابق دست اندرکار سینما و نحوه بکارگیری آنها.

۶- نداشتن سیاست مشخص و معلوم در برخورد با مسائل فرهنگی سینما و معضلاتی که ناشی از تحول عمیق در ارزشهای مردم بود.

۷- پیچیدگی کار سینما که در این رابطه، با توجه به کار گروهی و زنجیره ای نیاز به تخصص و مهارت های گوناگون و خاص و سرمایه گذاری سنگین از یکسو و عدم تضمین در بازگشت سرمایه از سوی دیگر و بالاخره نیاز به ابزار و تجهیزات گوناگون، مزید بر علت است.

۸- سردرگمی نیروهای سالم و یا تحول یافته موجود در جامعه به دلیل عدم برنامه ریزی و تعیین ضوابط کار.

۹- عدم امکان تأمین نیاز سینمای کشور از طریق واردات فیلم از خارج بدلیل مغایرت آن با اهداف جمهوری اسلامی در استقلال فرهنگی و

خود کفائی کشور و همچنین مشکلات بنیادی تولیدات سینمایی که به مراتب از تولیدات خارجی بیشتر بود.

برنامه ریزی، احیا و گسترش سینمای ایران

در نیمه اول سال ۶۲ هنر و صنعت سینمای ایران در شرایطی کاملاً راکد و بلا تکلیف بسر می برد، برای ایجاد تحولی عمیق و بنیادی در سطوح و افراد مختلف سینما احتیاج به برنامه ریزی جامع بود که لازمه آن شناخت همه جانبه کلیه عوامل و اثرات هر عامل در کل مجموعه بشمار می رفت. بررسی و تجربه در کار حاکی از آن بود که کوچکترین و به ظاهر بی اهمیت ترین عامل گاهی می تواند بیشترین تأثیر را در مجموعه حرکت سینما داشته باشد و این عوامل را می توان نه تنها در شیوه های ساخت فیلم، موضوع فیلم، چگونگی پرورش سوز، بازیها، نورورنگ، ارتباطات داستانی، مدیریت تولید، فیلمبرداری، چاپ، مونتاژ و صدا گذاری و بالاخره توزیع فیلم جستجو نمود، بلکه بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی جامعه و سیاستهای جاری نیز تأثیر مستقیمی بر مجموعه دارد و اینها همه غیر از مسائلی است که تحت عنوان کلی «سیاستهای سینمایی» می توان از آن نام برد که بدلیل اتصال و همبستگی شدید اجزاء، تغییر در هر جزء، اثر اجتناب ناپذیری بر سایر عوامل و کل مجموعه خواهد داشت. لذا در برنامه ریزی می بایستی ضمن شناخت و تجزیه و تحلیل کلیه اجزاء، تأثیر متقابل آنها را بر یکدیگر و بر کل سینما دقیقاً در نظر گرفت.

با توجه به اینکه سینما می تواند یکی از مؤثرترین وسایل ارتباط جمعی برای نشر و صدور مبانی فرهنگی و انقلابی جمهوری اسلامی باشد،

در همانسال برنامه‌ریزی برای احیای و گسترش کمی و کیفی سینمای ایران در چهارچوب سیاست‌های هدایتی، حمایتی و نظارتی از سوی امور سینمایی آغاز گردید. در این برنامه‌ریزی موارد زیر دقیقاً مورد توجه قرار گرفت:

۱- فیلم و سینمای ایران با همه نواقص بر سینمای خارجی اولویت داشته و چون تعطیل تولیدات داخلی به مفهوم وابستگی به فیلمهای خارجی است که طبعاً مشکلات فرهنگی و اقتصادی را به دنبال دارد، برنامه‌ریزی و حرکت جدید بایستی همگام و هماهنگ با گردش چرخ تولید سینمای داخلی باشد.

۲- به جهات فرهنگی، هنری و اقتصادی به سینما بایستی توجه کامل شود تا اینکه این هنر بتواند ضمن پرکردن اوقات فراغت مردم بنحو سالم و آموزنده، به تدریج موقعیت و مقام حقیقی خود را در ارسال پیام و اشاعه فرهنگ اسلامی و انقلابی به همه جوامع بشری در جهان پیدا کند.

۳- سینما نباید دولتی شود، بلکه نقش دولت باید صرفاً هدایت، حمایت و نظارت باشد.

بنابراین می‌بایستی ابتدا موارد زیر تحت بررسی قرار گیرد:

— بررسی کامل صنعت سینمای ایران از آغاز تا مقطع انقلاب اسلامی.

— بررسی دشواریهای کمی تولید فیلم در ایران با مسائل مشترک قبل و بعد از انقلاب اسلامی مانند بهای بلیط سینماها، روابط سینماداران و تولیدکننده، عوارض شهرداری، واردات فیلمهای خارجی، دستمزدها و سایر هزینه‌های تولید فیلم و غیره.

— بررسی دشواریهای سوژه‌ای و محتوایی و

ساختاری تولید فیلم با توجه به نیاز مبرمی که انقلاب اسلامی در رابطه با سینما وجود فعال آن را ایجاد می‌کرد.

— بررسی وضعیت موجود دست‌اندرکاران بطور اعم و برنامه‌ریزی برای اتخاذ شیوه‌های برخوردی که نهایتاً به هدایت و ارشاد از یکسو و یا حذف از صحنه فیلمسازی از سوی دیگری منتهی می‌شود.

— بررسی جریان فنی و علمی تولید از مرحله سوژه‌یابی و تحقیق و سناریو تا مراحل فیلمبرداری و مونتاژ و تصویر و صدا و شیوه‌های توزیع فیلم.

ولی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزیهای معاونت سینمایی، مشکلات عدیده‌ای همچون پیچیدگی کار سینما، نقش تخریبی از گذشته سینما بر اذهان، کمبود بار فرهنگی دست‌اندرکاران متخصص، نداشتن الگو برای سینمای سالم و منطبق با نیازهای جامعه اسلامی و بالاخره عدم توجه کافی و لازم به سینما از سوی مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد.

در برنامه‌ریزی مورد نظر موارد زیر تأیید گردید:

۱- تولید انبوه فیلمهای فارسی.

۲- افزایش کیفیت فیلمهای تولیدی در خور عرضه بین‌المللی.

۳- ایجاد فرصت برای نسل نو در انقلاب اسلامی در جهت یافت و رشد استعدادهاى هنرى.

۴- افزایش توان کمی و کیفی تا سرحد خودکفائی در بخشهای مختلف فیلمسازی که از پیچیدگی و تخصصهای گوناگون برخوردار است.

۵- آزاد شدن از مصرف فرهنگی تولیدات خارجی که در متعالی‌ترین اشکالشان با مجموعه

فرهنگ غنی اسلامی فاصله‌های بسیار دارند.
۶- گشودن مجرای سالم و نافذ جهت صدور انقلاب اسلامی در طریق تولید و توزیع بین‌المللی.

راه‌اندازی سینمای ایران

حل مشکل اقتصادی، نخستین قدم در این راه بود. چون سینما یک صنعت تمام‌عیار و کامل بوده و برای تولید و عرضه فیلم سینمایی علاوه بر بکارگیری کیفیت‌های هنری و فرهنگی، مواد و تجهیزات گوناگون در خدمت این صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. مواد اولیه خام، وسایل و ابزار، تجهیزات، ماشین‌آلات و نیروی انسانی متخصص و متعهد تحت نظارت یک مدیر تولید هم‌آهنگ شده اثر مستقیمی در نتیجه کار که همان تولید فیلم است دارا است.
در گذشته، سینمای ایران چنانچه اشاره شد علاوه بر فقر فرهنگی در سوره‌های سینمایی شاهد فقر بسیاری در زمینه مواد و وسائل و مدیریت تولید بوده است. نوسازی و بهسازی سینمای ایران در حقیقت آماده‌سازی قالب و چهارچوبی است که شرایط مناسب را برای دمیدن روح فرهنگی انقلاب اسلامی در کالبد سینما فراهم می‌آورد.

چنانچه ملاحظه شد توقف تولید فیلم ایرانی پس از انقلاب مدت‌ها دوام یافت و نظر به اینکه مقدمه ساخت و تولید فیلم‌های در شأن انقلاب اسلامی تجهیز مادی سینمای ایران است، بنابراین رفع و حل بحرانهای مادی فعلی سینما بهانه محدودیت‌ها را برای تولید در سطح جهانی منتفی می‌کند. از اواسط سال ۱۳۶۲ با تسهیلاتی که در زمینه آماده کردن مواد اولیه برای سینمای ایران ایجاد گردید، اقبال بالنسبه

درخشانی به فیلمسازی شد و آمادگیهای لازم برای سرمایه‌گذاری کسب گردید. چنانچه دیدیم روند تولید در سالهای پس از انقلاب تا اوایل سال ۶۲ بطور متوسط حدود ۸ فیلم سینمایی در سال بوده است. در حالیکه این روند در سال ۶۲ به حدود ۱۸ فیلم و در سال ۶۳ به تعداد حدود ۵۷ فیلم رسید.

نخستین اهرم در راه‌اندازی سینمای ایران باین ترتیب یک اهرم اقتصادی بود که در قالب فعالیتهای زیرجامعه عمل بخود پوشید:

۱- لغو حاکمیت دلان فیلمهای خارجی.
۲- تشکیل کمیسیون اکران جهت حمایت از فیلمهای داخلی.

۳- کاهش عوارض شهرداری برای فیلمهای داخلی از ۲۰ درصد به ۵ درصد به نفع تولید کننده و افزایش عوارض فیلمهای خارجی به ۲۵ درصد به نفع شهرداری.

۴- افزایش بهای بلیط سینما.

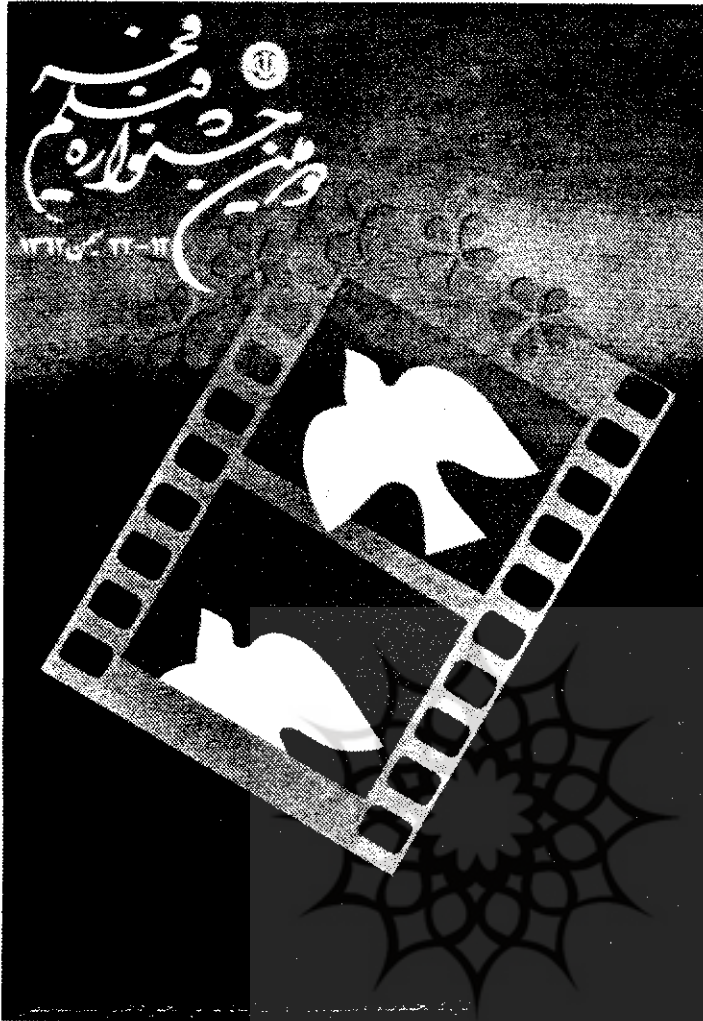
۵- معافیت تجهیزات و مواد خام فیلمسازی از سود بازرگانی.

۶- تشبیت دستمزدها و هزینه‌های لابراتواری و حذف کوپن ورود فیلم خارجی.

باین ترتیب با اقدامات فوق که بتدریج طی سالهای ۶۲ و ۶۳ به مرحله اجرا درآمد مجموعه سیاستهای هدایتی، حمایتی و نظارتی، طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شد.

اهم برنامه‌های هدایتی و حمایتی عبارت بود از:

۱- ایجاد زمینه مناسب رشد و گسترش شیوه‌های نوین فیلمسازی از نظر فرم و محتوی و یافتن زبان مناسب جهت بیان ارزشهای انقلاب اسلامی و رساندن پیام آن به جهانیان و جلوگیری از رشد



- ۱- سینمای شعاری و مبتذل رایج در سالهای اولیه.
- ۲- زدودن تأثیرات سوءسینمای شرق و غرب بر تولیدات داخلی و شکستن حصار محدود سوژه‌های تکراری.
- ۳- تشویق و ترغیب افراد متعهد و مسلمان و فراهم آوردن زمینه رشد و فعالیت آنان.
- ۴- ایجاد فضای حرفه‌ای سالم و فسادزدایی از صنعت سینمای کشور و تفهیم مبانی فرهنگ جمهوری اسلامی برای آنان.
- ۵- ایجاد نظام صحیح ارزشیابی براساس تعهد به آرمانهای جمهوری اسلامی برای دست‌اندرکاران سینما و ایجاد انگیزه‌های مناسب و صحیح برای فعالیت در عرصه سینما.
- ۶- انتشار کتب تخصصی و فنی مورد نیاز دست‌اندرکاران و علاقمندان به سینما در جهت رشد کیفی سینماگران و ارتقاء بینش و آگاهی و توقع علاقمندان به سینما و عموم مردم. همچنین چاپ و انتشار کتابهایی در زمینه معرفی سینمای بعد از انقلاب برای داخل و خارج از کشور که در این جهت از سال ۶۱ تا بحال پانزده جلد کتاب

در زمینه های مختلف سینما چاپ و منتشر شده و تعداد ۹ جلد کتاب دیگر زیر چاپ است.

۷- تشکیل شورای هنرهای نمایشی که عهده دار بررسی و تصمیم گیری و تعیین ضوابط و معیارهای صحیح در مورد هنرهای نمایشی می باشد.

۸- برنامه ریزی و تشکیل دوره آموزشی تخصصی مدیریت تولید فیلم.

۹- برگزاری جشنواره فجر در هر سال بمنظور ارزیابی فعالیت یکساله سینما و ایجاد زمینه نقد و بررسی عملکرد سینما در مطبوعات، رادیو و تلویزیون و محافل هنری و تشویق هنرمندانی که در ارتقاء جنبه های کیفی سینما تلاش کرده اند.

در مورد اهم سیاستهای نظارتی امور سینمایی بایستی از تشکیل شوراهای بررسی فیلمنامه، بازبینی فیلمهای ۱۶ و ۳۵م، شورایعالی بازبینی، شورای بازبینی فیلم برای نمایش در مجامع فرهنگی و شورای صدور پروانه فیلمسازی یاد کرد.

تشکیل بنیاد سینمایی فارابی و نتایج

سیاستهای هدایتی، حمایتی و نظارتی -

چنانچه قبلاً ذکر گردید در سال ۱۳۶۲ پس از مطالعه و برنامه ریزی، بنیاد سینمایی فارابی در جهت اجرای برنامه ها و سیاستهای هدایتی و حمایتی تشکیل گردید؛ چون در چهارچوب این سیاست ها می بایستی محیطی مناسب و سالم جهت رشد و شکوفائی استعدادها و نیروهای متعهد و مسلمان در امر سینما بوجود آید. همچنین می بایست تشکیلاتی عهده دار ارتقاء و رشد کمی و کیفی سینمای ایران به ویژه از جهت مسائل فرهنگی و هنری و تکنیکی گردد. لذا انجام این

مهم بر عهده بنیاد سینمایی فارابی گذاشته شد و اجرای سیاستهای هدایتی، حمایتی و نظارتی موجب نتایج زیر گردید:

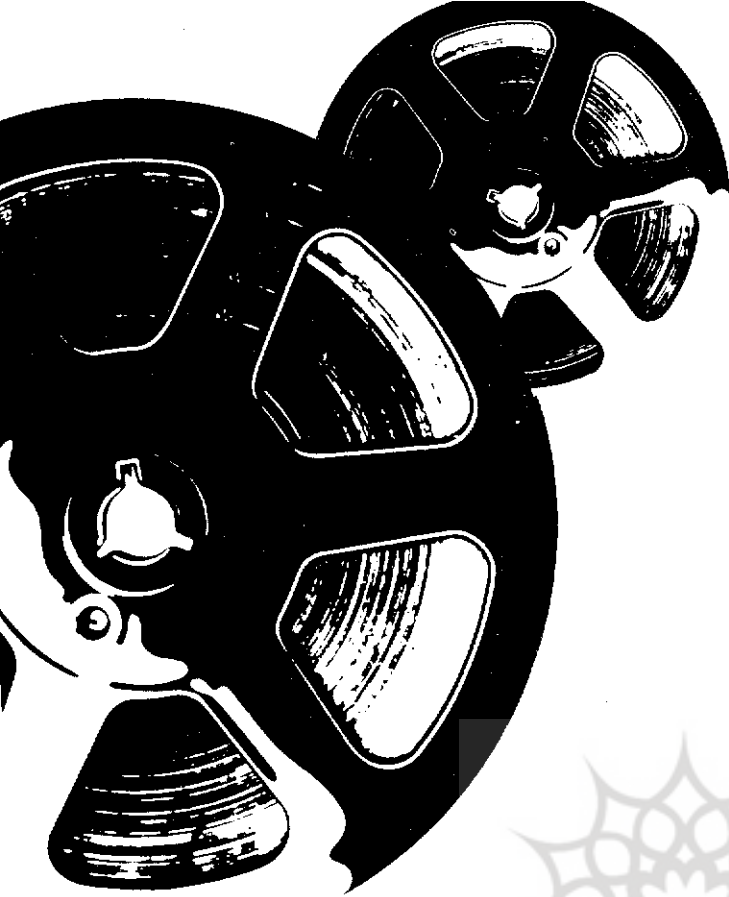
۱- توقف سیر نزولی تولید و آغاز رشد تولید در سینمای ایران. بطوریکه در سال ۶۱ تعداد یازده فیلم تولید شده بود و در سال ۶۲ این رقم به ۲۲ و در سال ۶۳ به ۵۷ فیلم در سال تغییر یافت و در نیمه اول سال ۶۴ تعداد ۳۳ فیلم تولید گشته است.

۲- بازسازی نیروی انسانی در سینما. بطوریکه در حال حاضر سوژه اکثر فیلمها متأثر از تحولات اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب می باشد.

با توجه به موفقیت در اجرای سیاست ها و برنامه های فوق تغییرات کمی و کیفی حاصل در سینمای ایران پاسخگوی نیازهای جامعه نبوده و لزوم تجدید نظر در برنامه ها و آهنگ رشد سریعتر در حرکت کمی و کیفی سینما احساس گردید. باین ترتیب مراکز آموزش های تخصصی بمنظور تربیت و رشد نیروهای متعهد و متخصص مورد نیاز سینما در سرتاسر کشور گسترش یافت و تقویت گردید. از رشد و توسعه تولیدات سینمایی در شهرستانها تشویق و حمایت لازم به عمل آمد و همچنین از ایجاد و گسترش تعاونیهای تولید فیلم در شهرستانها حمایت شد.

در همین رابطه افکار و ایده های فرهنگی در نقاط مختلف کشور مورد تشویق و حمایت و بهره گیری قرار گرفت و همچنین ایجاد سالن های ارزان قیمت سینما به ویژه در نقاط محروم کشور با توجه به خصوصیات فرهنگی و اقلیمی مناطق، مورد مطالعه و طراحی واقع شد.

تشکیل انجمن سینمای جوان، مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی و بالاخره مرکز تجربیات هنر



فیلمسازی بهمین دلیل بوده است که به شدت مورد استقبال علاقمندان در سرتاسر کشور قرار گرفته است.

اهم فعالیت‌های پشتیبانی در جهت تحقق بخشیدن به سیاستها و برنامه‌های هدایتی و حمایتی سینمای ایران عبارتند از:

الف- پشتیبانی‌های هدایتی به منظور ارتقاء کیفی فعالیت‌های فیلمسازی از طریق ایجاد نظام بازسازی اطلاعات در سینمای ایران شامل:

- ۱- طرح ایجاد مراکز اطلاعات سینمایی ایران.
- ۲- طراحی و ایجاد سیستم کامپیوتری اطلاعات در مورد شناسهای سینما و اکران، دست‌اندرکاران فیلمسازی و تولید فیلم.
- ۳- اجرای طرح علمی بازسازی، تجهیز و گسترش آرشیوها و کتابخانه‌های سینمایی.

ب- پشتیبانی‌های هدایتی و حمایتی جهت گسترش فرهنگ و صدور انقلاب اسلامی از طریق سینما شامل:

- ۱- شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم و بازارهای جهانی فیلم.
- ۲- آماده‌سازی فیلم و تهیه مقدمات لازم جهت تشکیل هفته‌های فیلم جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف برای معرفی سینمای بعد از انقلاب اسلامی و تبلیغات و صدور ارزشهای فرهنگی انقلاب اسلامی.

۳- حضور فعال جهت پوشش فرهنگی- تبلیغی سینمایی مناطق محروم کشور که فاقد تلو یزیون و سینما هستند.

ج- پشتیبانی‌های آموزشی جهت اجرای سیاست‌های هدایتی که شامل موارد زیر بوده است:

۱- دوره کوتاه مدت آموزش مسئولین بایگانی فیلم در شهرستانها.

۲- دوره آموزشی آشنائی با کامپیوتر و کاربرد آن.

۳- دوره آموزشی کار با دستگاههای زیرنویس فیلم.

۴- دوره‌های آموزشی کاربرد و تعمیر وسائل سمعی و بصری.

۵- سمینارهای آموزشی مسئولان و راهنمایان فرهنگی استانها.

د- پشتیبانی‌های فیلمسازی در جهت جلوگیری از کاهش میزان تولید و افزایش هزینه‌ها شامل:

- ۱- بازسازی لابراتوار فیلم و احداث سردخانه.
- ۲- تجهیز و تأمین وسائل جدید فیلمسازی و

تکمیل و تعمیر و راه اندازی وسائل سمعی و بصری به ویژه در شهرستانها.

تبلیغات و نشر و گسترش فرهنگ

در جهت نشر و تبلیغ فرهنگ انقلاب اسلامی تا کنون موارد زیر به عمل آمده است:

۱- نمایش فیلم در نقاط محروم کشور که جمعاً نزدیک به ده هزار برنامه نمایش برآورد می شود.

۲- ایجاد پایگاههای سمعی و بصری که در این زمینه اقدام به تشکیل هشت پایگاه در استان تهران گردیده است.

۳- تولید و تکثیر فیلمهای ارشادی- تبلیغی که در این زمینه تعداد ۴۷ فیلم از جریانات مهم انقلاب اسلامی به مدت ۱۵۰۰ دقیقه تولید و به تعداد یکصد نسخه تکثیر گردیده است.

۴- تهیه و تکثیر آئونس از ایام الله و وقایع مهم انقلاب اسلامی جهت نمایش در سینماهای کشور که تا کنون ۳۴ عنوان به مدت ۱۴۰ دقیقه تولید و از هر کدام ۸۰ نسخه تکثیر گردیده است.

۵- تهیه و توزیع ۱۳۹۳۰۰ قطعه عکس و اسلاید از وقایع مهم و سمینارهای فرهنگی کشور در سالهای اخیر.

۶- تهیه جزوات آموزشی سمعی و بصری.

۷- تشکیل نمایشگاههای عکس و مولتی و پژن بمناسبتهای هفته جنگ، دهه فجر، وقایع مهم کشور و برگزاری هفته فیلم جنگ تحمیلی.

۸- ارائه طرح تشکیل مجتمع ادبیات و هنر در خدمت جنگ تحمیلی و شرکت فعال در برگزاری آن.

همچنین در جهت پشتیبانی های فرهنگی و فنی و همکاری با نهادهای انقلابی و ارگانهای دولتی، گامهای زیر برداشته شده است:

۱- همکاری با ادارات کل ارشاد اسلامی سراسر

کشور در زمینه ارسال فیلم، عکس و اسلاید، تهیه و ارسال وسائل سمعی و بصری، اعزام واحدهای سیار نمایش فیلم، تعمیر وسائل فیلمسازی و سمعی و بصری، تهیه و ارسال مواد خام و عکاسی.

۲- همکاری با سایر معاونتهای وزارت متبوعه شامل تهیه پنج فیلم کوتاه از مراسم بزرگداشت استاد شهریار، استاد امیری فیروزکوهی، استاد میرخانی، استاد شهنازی و فیلم کوتاهی از مراسم تعزیه به درخواست معاونت هنری و همچنین تهیه عکس و اسلاید جهت معاونت های فرهنگی، هنری، سیاحتی و زیارتی، اداری و مالی، روابط عمومی، انجمن اسلامی و دفتر تبلیغات دولت.

در جهت تبلیغات خارجی و همکاری با سایر ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی نیز تا کنون اقدامات زیر انجام شده است:

۱- آماده سازی، ترجمه و زیرنویس ده فیلم مربوط به جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی به زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسه، اسپانیولی و اردو و تکثیر آنها برای خانه های فرهنگ در خارج از کشور.

۲- تهیه جمعاً ۲۸۸ کپی فیلم کوتاه و بلند تبلیغی-ارشادی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و جمعاً ۴۵۰ حلقه نوار ویدئو جهت مراکز اسلامی خارج از کشور.

۳- همکاری در تهیه عکس و اسلاید و فیلم جهت نمایشگاههای بین المللی در خارج از کشور.

۴- تهیه ۲۹ فیلم بلند و کوتاه به درخواست سازمان حفاظت و محیط زیست، سازمان ترفیخ، واحد سمعی و بصری سازمان تبلیغات اسلامی، جهاد سازندگی، بنیاد امور مهاجرین

جنگ تحمیلی، وزارت نفت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، وزارت صنایع، سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی، بنیاد شهید جامعه روحانیت مبارز و ستاد پشتیبانی جنگ تحمیلی. ضمناً معاونت سینمایی خدمات زیر را نسبت به سازمانها و ارگانهای جمهوری اسلامی انجام داده است:

- ۱- ۱۴۰۰۰ مورد امانت فیلم.
- ۲- ۱۹۶ مورد تعمیر وسائل سمعی و بصری.
- ۳- ۲۴۳ مورد ارائه خدمات لابراتواری، تدوین و صداگذاری.
- ۴- امانت وسائل و تجهیزات فیلمسازی در موارد بسیار متعدد.
- ۵- اعزام نیروهای مورد نیاز مانند کارگردان، فیلمبردار و دستیاران مربوطه و کارگرفنی.
- ۶- تأمین تجهیزات و مواد خام فیلمسازی.

تحول کیفی و تولیدات سینمای کشور

در نتیجه اجرای سیاستهای هدایتی امور سینمایی، تحول کیفی چشمگیری در تولیدات سینمای کشور در چندساله اخیر بوجود آمده است که فیلمهای نمایش داده شده در جشنواره فیلم فجر سالهای ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴ نشانگر آنست. این تحول کیفی موجب استقبال مردم و توجه آنان به تولیدات سینمای داخلی نیز شده است که جدول زیر تغییرات نسبت تماشاگران فیلمهای ایرانی و خارجی را در سالهای ۶۳ و ۶۴ نشان می دهد:

شش ماهه اول سال ۶۳

| نوع فیلم | تعداد تماشاگر | درصد |
|----------|---------------|------|
| ایرانی | ۴۲۲۵۶۳۲ | ۳۳ |
| خارجی | ۸۵۹۲۹۰۲ | ۶۷ |
| جمع | ۱۲۸۱۸۵۳۴ | ۱۰۰ |

شش ماهه اول سال ۶۴

| نوع فیلم | تعداد تماشاگر | درصد |
|----------|---------------|------|
| ایرانی | ۷۵۹۲۷۵۸ | ۵۷ |
| خارجی | ۵۶۲۰۷۰۲ | ۴۳ |
| جمع | ۱۳۲۱۳۴۶۰ | ۱۰۰ |

آموزش کیفی و محتوایی

خط مشی کلی و سیاستهای تعیین شده که جزئیات آن فهرست وار ارائه شد، هر ساله با همت و پشتکار جمعی از افراد حزب اللهی و علاقمند به هنر سینما بدور از بوروکراسی و تشکیلات اداری انجام گردیده است. در نخستین مرحله اجرایی سیاست ها و خط مشی سینما تأکید بر راه اندازی و افزایش تولید فیلم ایرانی و حمایت از تولید کنندگان فیلم مورد توجه قرار گرفت. روشن بود که بهترین ها را از میان بیشترین ها می توان یافت و افزایش کمی تولید هر چند در کوتاه مدت امکان خلاق آثار سینمایی مورد انتظار را در بر ندارد ولیکن اسباب آنرا فراهم می آورد که موجودی سینمای ایران متحرک شده و در شرایط عمل و تجربه بسوی ارتقاء کیفی و محتوایی هدایت شود و در این مسیر سینما افزایش کمی و کیفی جدیدی را نیز داشته باشد. در آن هنگام پیش بینی شده بود که در سال ۶۳ این برنامه می تواند بالاترین تعداد تولید فیلم سینمایی پس از انقلاب را تضمین کند. این پیش بینی با موفقیتی بیش از حد انتظار به وقوع پیوست. بهمین جهت در برنامه ریزیهای مذکور سال ۱۳۶۴ به عنوان سال «توزیع درست و بهنگام تولیدات» و سال آغاز حرکت سینمای ایران به سمت آفرینش کیفیت ها و محتواها نامیده شد تا بتواند قرابت خود را با فرهنگ و هنر ایران اسلامی اثبات نماید.